

برگ ریزان

ترجمه رمان یاپراک دوکومو

انترشات نوری گون تکین

ترجمه اریلا اکسار خیابانی

www.ketab.ir

سرشناسه	: گونتکین شات نوری، ۱۸۸۹ - ۱۹۵۶ م.
عنوان و پدیدآور	Guntekin, Şat Nuri : برگ‌ریز ترجمه شان مجرای دوکومو/ اثر رشات نوری گون تکین؛ ترجمه نازیه رشاد خیابانی.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۲۲۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Yaprak dökümü, ۱۹۷۱
موضوع	: داستان‌های ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: نیک‌رفتار خیابانی، نازیه، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ب ۳ ۵۱۷/۴۲۸ PL
رده بندی دیویی	: ۸۹۳/۳۵۳۳
شماره کتابخانه ملی	: ۳۲۲۱۷۰۳

تهدیدم به پدر و مادرم

ترجمه رمان مشهور: یایپراک دوکومو



برگه ییزا

مؤلف: رشات نوری سون

ترجمه: نازیلا نیک رفتار خیابانی

طرح روی جلد: پریناز سهرابی / تایپ و ویرایش: فریاد

چاپ اول ۱۳۹۲ / ۱۶۸ صفحه / قطع رقعی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۴۲۲-۲

مرکز فروش: تبریز-اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱۱-۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

آشنایی با نویسنده

رشات نوری گون تکین (۱۸۸۹-۱۹۵۶) نویسنده‌ی رمان‌های مشهوری *میرحالی کوشو* - *یاشیل گنج* - *آنادولو نوت لاری* - *یپراک دوکومو* می‌باشد که در دوره جمهوریّت ترکیه و تغییرنظام سیاسی از پادشاهی به جمهوریّت در آمد می‌کرد.

او در سال ۱۸۸۹ در استانبول به دنیا آمد. او تنها فرزند خانواده بود که به خاطر نظامی بود. او در نقاط مختلف ترکیه سکنی گزیده بود. وی از کودکی به مطالعه و ادبیات رمان علاقمند بود و تا ۲۳ سالگی به تحصیل اشتغال داشت. سپس به عنوان معلم به تدریس در مدارس استانبول و بورسا پرداخت.

رشات با توجه به علاقه وافری که به ادبیات ترکی داشت از همان ابتدا شروع به نویسندگی کرده و اولین اثرش را در سال ۱۹۱۷ نوشت. نام این اثر *اسکی احباب* (دوست قدیمی) بود.

او در سال ۱۹۳۹ به عنوان نماینده مجلس شهر چاناک قلم‌نخب شده و به مجلس ترکیه رفت. وی جزو نمایندگان حزب جمهوری خلق بود. رشات نوری گون تکین از سال ۱۹۵۶ برای درمان ریه‌هایش به لندن رفته و در همانجا درگذشت.

درباره رمان

رمان برگ ریزان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول توسط رشاد آفری گون تکین به نگارش در آمد.

این رمان داستان تغییرات و تحولاتی است که همزمان با پروسه مدرنیته در جامعه رخ می‌دهد. در این پروسه خانواده که بستر تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه محسوب می‌شود دچار تغییرات شدیدی می‌شود. تربیت فرزندان خانواده، مسائل پدرسالار خانواده که از سالیان دور در اقصی نقاط کره‌ی خاکی قابل مشاهده بود به سرعت تغییر یافته و پدر خانواده قاطبیت و حاکمیت خود را از دست می‌دهد. به جای پدرسالاری فرزندسالاری جایگزین شده و لذا تربیت فرزندان از شکل سنتی خود خارج می‌گردد. رمان برگ ریزان برای نخستین بار در سال ۱۹۳۰ در استانبول به چاپ رسیده و آخرین چاپ آن در سال ۲۰۰۸ در استانبول بوده که چاپ پنجاه و ششم رمان بوده است.

رمان برگ ریزان حکایت خانواده‌ای است که یک‌باره در آن تحت تاثیر مدرنیته از هم می‌پاشد. پدری که بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی در رد به مرور زمان قدرت خود را از دست داده و به انسانی بی ارزش تبدیل می‌شود. فرزندان هر یک به فراخور حال خویش برای خود زندگی می‌کنند و لذا استحکام خانواده از هم می‌پاشد.

اقتصاد از جمله عوامل مهمی است که در تحولات خانواده نقش ایفاء

می‌کند و باعث تغییر روابط درون خانواده می‌شود.

درنها بت می‌توان گفت که داستان رمان برگ ریزان، خانواده‌ای را که همانند درختی مستحکم و تنومند در فصل بهار می‌توان متصور شد را به ریختی در فصل پاییز که در حال برگ ریختن و روبه افول و مرگ است به نمایش می‌گذارد.

اگرچه درون این نتیجه گرفت که برگ ریزان تصویری از خانواده‌های مدرن بی‌سک و غیر را برای ما نشان داده و تجربه‌ای است برای خوانندگان رمان.

امید است که خوانندگان محترم از خواندن این رمان لذت برده و درس‌های اخلاقی را کسب کنند.

حالا از شرکت سهامی بزرگ طلایی استعفا دادم؟ اینجا هیچ موضوع
بر قابل فهمی وجود نداره. با حقوق شصت و دو لیره‌ای نمی‌تونستم
زندگی بکنم. مسئولیت به مادر مریض و دو خواهر کوچیک هم با
منه. بعضی بچه‌ها، پدرم از سرما و خواهرام از غذا شکایت می‌کردن. منم
دستامو باز می‌کردم و می‌گفتم: "چیکار کنم، این ترازو،
اینقدر قدرت تحمّل نداره بگه درآمدم رو تو کلپ و مهمونی خرج
می‌کردم و شما رو ترابری عسرت می‌داشتم؛ حق داشتید هر چی
می‌خواستید به من بگین."

همه چی روشنه. اگه این حقیقت رو قبول کنن چه بهتر، اما اگه متوجه
نشن، می‌گم: "خانمها اگه سفره این هتل رو می‌پندین، کمتر پول میدین،
اگه کسی بهتر از این رو سراغ داره خبر بده، هه باها بریم اونجا." بعد در
رو پشت سرم می‌بندم و میرم.

مادرم زنی پیر و سالخورده است و خواهرام، دو بنده بیچاره خواهره‌ستن.
در نتیجه هر وقت من پرخاش می‌کنم، خواه ناخواه تسلیم میشن. منم بجه یه
جونور بزرگ یعنی خودم کی باید پرخاش کنه!

سی ساله شدم. تندرست و سالم هستم، توان و قدرت دارم. ذات پررو و
بی حیایی دارم. هر چی بینم دلم می‌خواد. خوردنی ببینم، گرسنه‌ام میشه.